

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

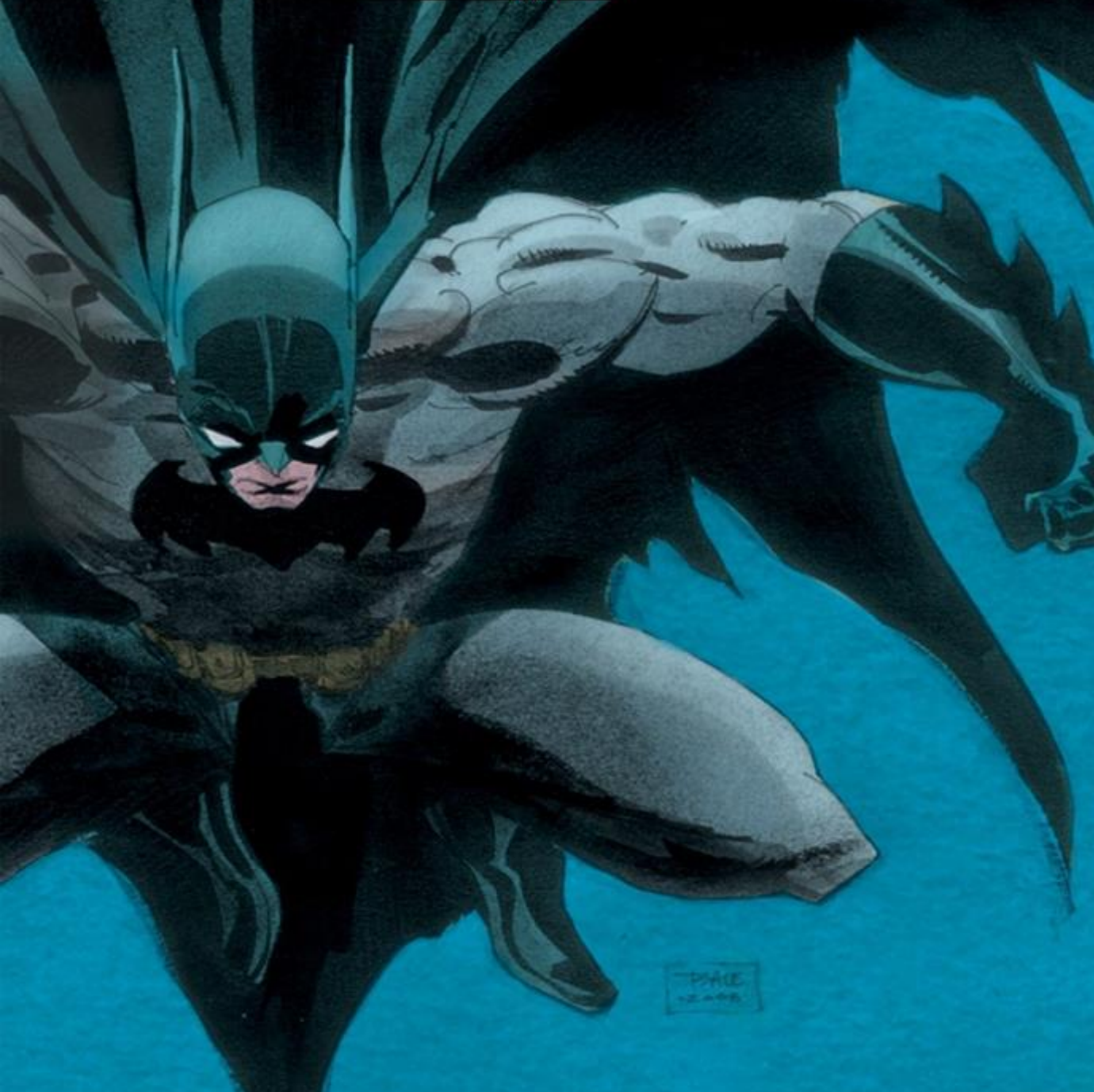
— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

«بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت اول)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



PSAGE
12-11-08

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

MRTsoft

«بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

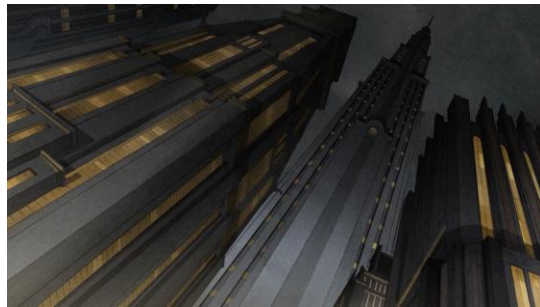
1997

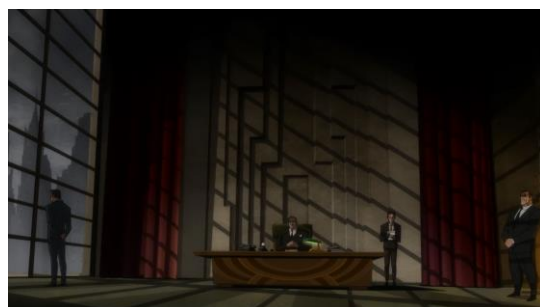
تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت اول)

هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.

کریستوفر نولان، کارگردان سه‌گانه شوالیه تاریکی

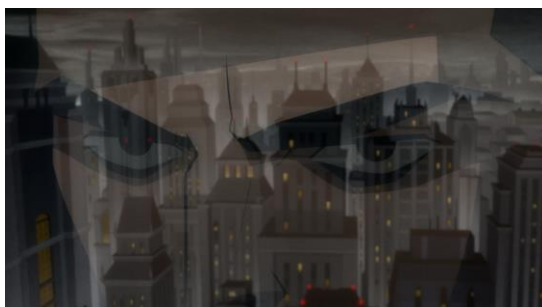




بروس وین: من فقط از روی احترام اینجا اومدم، به خاطر والدینم، کسی که...



کارماین فالکونی: خانوادت رو می‌شناخت! پدرت...



بروس وین: بله، خیلی وقت پیش همین‌طور بود!



کارماین فالکونی: بله، خیلی وقت پیش توماس وین به پدرم باور داشت...



کارماین فالکونی: اون باور داشت که یه مرد می‌تونه برای یه دنیای پر از هرج و مرج، آرامش بیاره!



کارماین فالکونی: و تو، بروس؟



بروس وین: من به شهر گاتهام باور دارم!



سالواتور مارونی: وانگول امتحان می کنید؟



رررتتتت



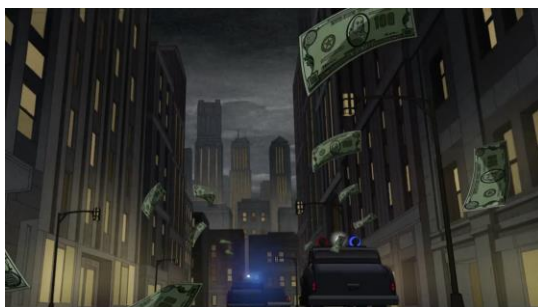
جمعیت: وایای!





جمعیت: زنده باد، هاروی دنت! زنده باد، شوالیه سفید!





تبهکار: هاهاه، بقیشم برای شماها!





تبهکار: ما که می تونیم تمام شب انجامش بدیم، مگه نه رفقا؟!!



تبهکار: چی؟؟؟





بوووم

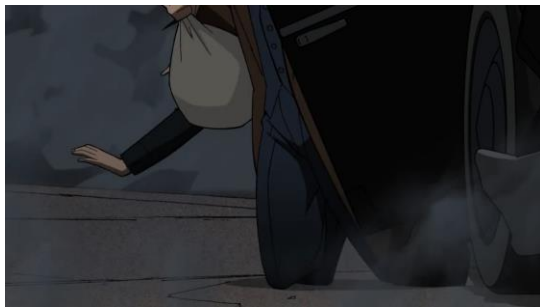


تبهکار: لعنتی!



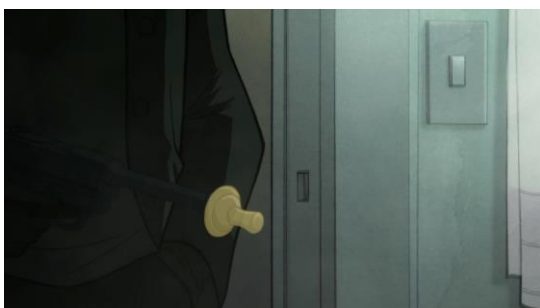


درررق



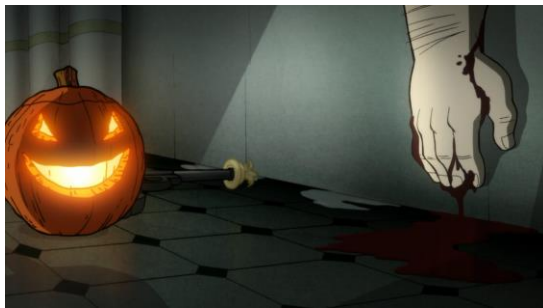


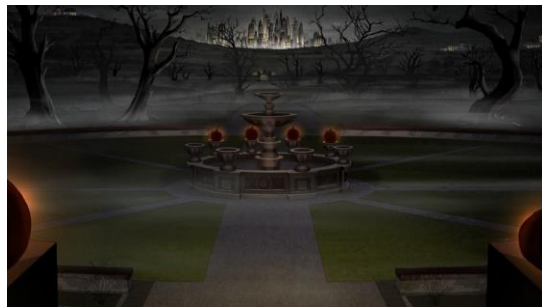






بنگ







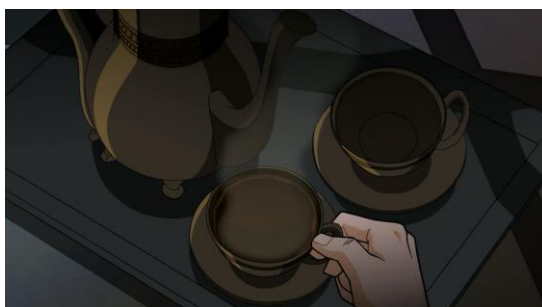
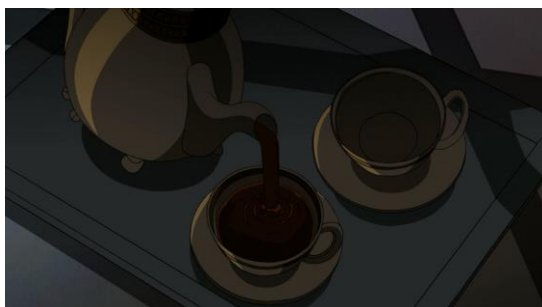
آلفرد پنیورث: ارباب بروس، هالووین مبارک!



بروس وین: قهوه هست؟



آلفرد پنیورث: توی اتاق مطالعه، قربان.



آلفرد پنیورث: دوشیزه کایل تماس گرفتن...



آلفرد پنیورث: گفت داره شماره‌ای که بهش دادین رو چک می‌کنه تا مطمئن بشه واقعیه!



بروس وین: درها باز هستن...



بروس وین: یک سالی میشه که قاشق‌زن‌ها رو ندیدیم، امشب هم کسی رو نمی‌بینیم!



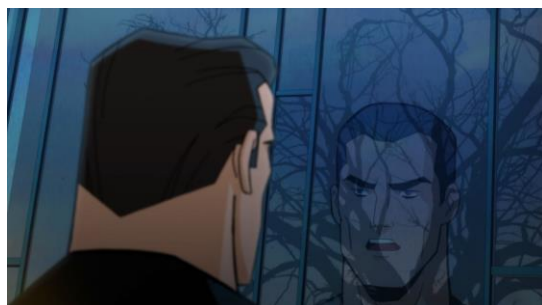
بروس وین: سخته اینطور ریسک امنیتی رو انجام بدیم، مگه اینطور نیست؟



آلفرد پنیورث: با کمال احترام، بله قربان!



آلفرد پنیورث: اگه امنیت ما به آلیاژ 600 دلاری وابسته باشه...



بروس وین: شهر سقوط کرده، آلفرد!

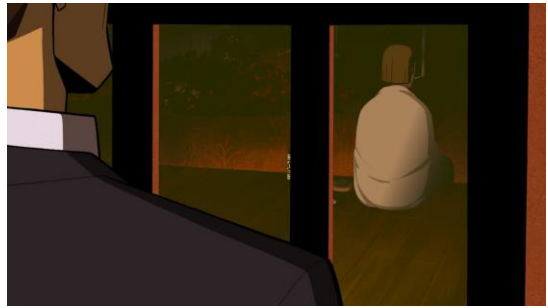


آلفرد پنیورث: پس ما باید تلاش کنیم، دوباره سرپاش کنیم...



آلفرد پنیورث: همیشه امیدی هست!







هاروی دنت: گیلدا، تو اونجایی؟



گیلدا دنت: چی؟!



گیلدا دنت: هاروی! تو خونه‌ای؟!



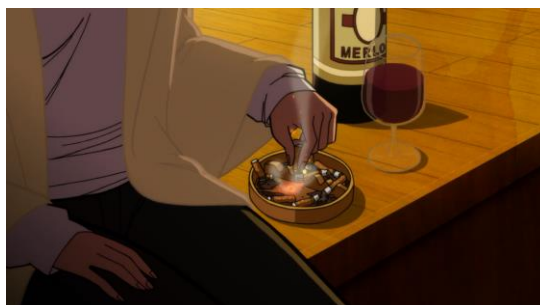
هاروی دنت: دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن!



هاروی دنت: چرا اینجا توی این هوای سرد نشستی؟



گیلدا دنت: می دونم، متاسفم، من فقط...



هاروی دنت: تو بدون من شروع کردی، بچه‌ها نیومدن؟



گیلدا دنت: چی؟!



هاروی دنت: فاشقزنها!



گیلدا دنت: اوه، نه، من فقط...



گیلدا دنت: فکر نمی‌کنم امشب از پس همه اینا بر بیام...



گیلدا دنت: پنج دقیقه یه بار باید در خونه رو باز کنم، اونم خندان...



هاروی دنت: آره، اون کاسه روی ایوان رو دیدم! چیزی نیست، اون بیرون شهر ارواحه...



هاروی دنت: این یعنی که ما خودمون باید همش رو بخوریم!





هاروی دنت: شایدم نه، تو می دونی که من رابطه عشق و نفرت با آب نبات دارم!



گیلدا دنت: تو با همه چی رابطه عشق و نفرت داری...





گیلدا دنت: بیا بریم، توی خونه، امشب رو...



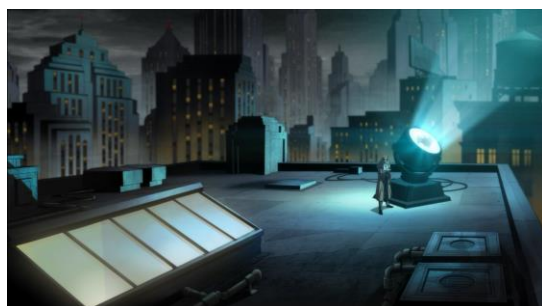
هاروی دنت: عزیزم، متاسفم...

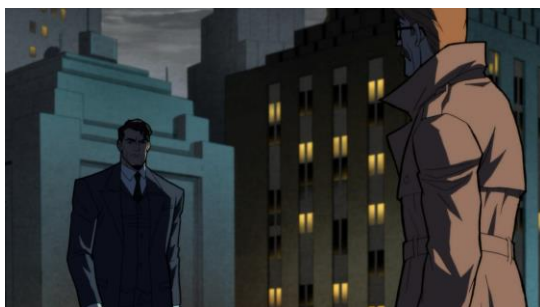


گیلدا دنت: تو باید بری...



هاروی دنت: زود برمی‌گردم...





هاروی دنت: اون همیشه اينطوري منتظرت ميزاره؟



جيمز گوردون: اونم الان مياد...



هاروی دنت: فکر می کردم پیپ رو ترک کردی!



بتمن: آقایون!



هاروی دنت: شب بخیر، خفاش!



بتمن: آقای دنت.



بتمن: چی شده، کمیسر؟



جیمز گوردون: جانی ویتی امشب کشته شده...



هاروی دنت: گندش بزنی!



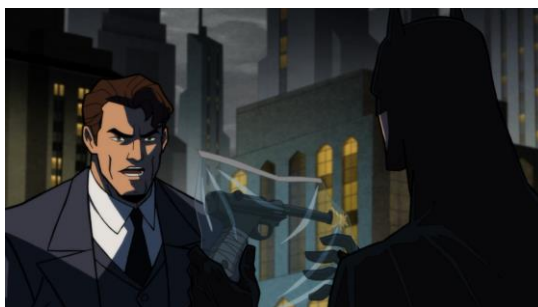
جیمز گوردون: خواهرزاده فالكونی...



هاروی دنت: خودشم کشتش، خود کارماین فالكونی!



جیمز گوردون: هاروی، آروم باش!



هاروی دنت: من ماهاست که دارم با ویتی کار می‌کنم...



هاروی دنت: هیچکس از تیم شماها فکر نمی‌کرد اون ممکنه آسیب‌پذیر باشه!





بتمن: کالیبر 22 دسته نواری...



بتمن: شماره سریالش پاک شده...



بتمن: از پستونک بچه جای صداخفه کن استفاده شده، عجیبه، ولی موثره!



جیمز گوردون: و غیرقابل ردیابی...



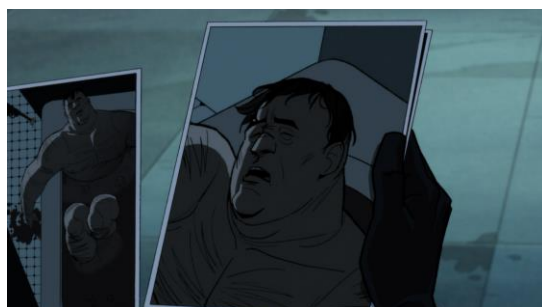
جیمز گوردون: فعلا سخته که تشخیص بدیم با یه حرفه‌ای سر و کار داریم یا نه...



هاروی دنت: البته که حرفه‌ای بوده، کار فالكونی بوده...



هاروی دنت: اون فهمیده که ویتی می‌خواد به خانواده خیانت کنه...



هاروی دنت: برای همین از صفحه روزگار پاکش کرد!



هاروی دنت: ما خیلی نزدیک بودیم...



هاروی دنت: اون می خواست حرف بزنه!



بتمن: شاید.



هاروی دنت: و نه فقط کارماین، تمام خانواده در حال از بین رفتن بودن...



هاروی دنت: خیلی نزدیک بودیم، جیم...



هاروی دنت: ما به فرصت جدی برای تغییر اوضاع داشتیم!



جیمز گوردون: هنوزم داریم! این فقط یه عقب‌گرده؛ ما به روش دیگه برای سرنگونیشون پیدا می‌کنیم...



بتمن: فانوس کدو تنبل کجاست؟



جیمز گوردون: فکر می کنی که این مهمه؟!



بتمن: هنوز نمی دونم...



جیمز گوردون: این شهر بالاخره یه فرصت گیرش اومده و افتخارش برای این سه مردیه که اینجا هستن...



جیمز گوردون: جنایت‌های خانواده فالكونی باید از بین بره!



جیمز گوردون: خب، من شما دوتا رو کنار هم قرار میدم...



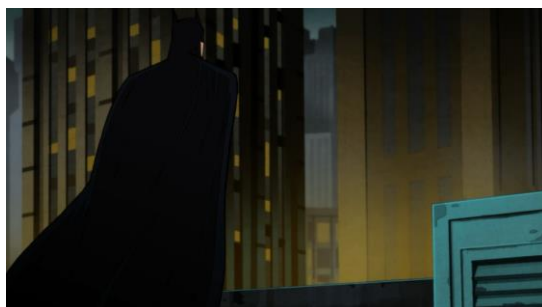
جیمز گوردون: دادستان کارش رو توی روشنایی انجام میده و تو در طرف مقابله کار می‌کنی!



جیمز گوردون: نه کاملاً طبق قانون، ولی قانون نشکنین! و هر کاری بتونم می‌کنم تا از شما مواظبت کنم...



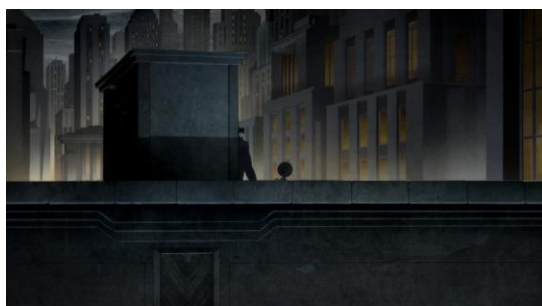
هاروی دنت: فهمیدم!



هاروی دنت: اون نیاز داره تو یه چیزی بگی، خفاش!



بتمن: دو فکر بهتر از یه فکره...





بتمن: سرنخ‌ها زود پیدا میشن!



بتمن: گوش به زنگ باشین...



جیمز گوردون: پس فکر کنم آماده‌ایم و...



جیمز گوردون: شروع می کنیم...



جیمز گوردون: اون خیلی سریع!





جیمز گوردون: درست مثل تو!









تبهکار: پدرخوانده، من درباره خواهرزادتون خیلی متاسفم!



کارماین فالکونی: متشکرم!



تبهکار: کارماین، بدون بی احترامی، اما چرا هنوز دست روی دست گذاشتیم؟!



تبھکار: یہ گلولہ بہ جانی شلیک شدہ...



کارماین فالکونی: کی شلیک کردہ!؟



تبھکار: سالواتور مارونی! جز اون کی ممکنہ بودہ باشہ؟



تبھکار: از وقتی کہ خانوادہ رو تحویل گرفتہ، اون دنبال ما بودہ...



تبهکار: و امشب هدفش رو پیدا کرده، به مسیح قسم این یه هشداره!



کارماین فالکونی: شاید، اما باید مطمئن بشیم، مردی که ماشه رو کشیده، اسلحه رو پر نکرده...



کارماین فالکونی: جاه طلبی مارونی تحت کنترل بود، تا وقتی که قانون هدف منو پشت سر گذاشت...



کارماین فالکونی: اگه کسی مسئول مرگ خواهرزاده من باشه، کسی جز اون دادستان حرومزاده نیست!



کارماین فالکونی: هاروی دنت!



تبهکار: بهتره بکشیمش و جسدشو سربه نیست کنیم!



تبهکار: آره، همینه! شما فقط دستور بدین کارماین و خودم دنت رو می کشم!



کارماین فالکونی: آروم باش، فعلا باید عقب بکشیم تا وقتی که...



تبہکار: الان وقت مناسبیہ، کارماین! ہر گونہ تاخیری فقط از ضعف توست!

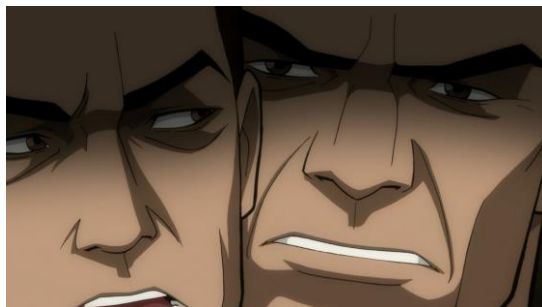


کارماین فالکونی: بابت نگرانیت، متشکرم!



تبہکار: بدون بی احترامی، کارماین...

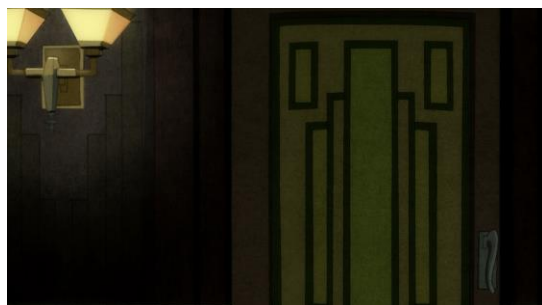




تبہکار محافظ: بگو پدر خوانده!



تبہکار: آقای فالکونی، بی خیال!



ترق



تلق



کارماین فالکونی: بحث کاربه دیگه‌ای هست؟



کارماین فالكونی: آلبرتو!



کارماین فالكونی: وقت کاره، جدول کلمات رو ببر پیاده‌روی!



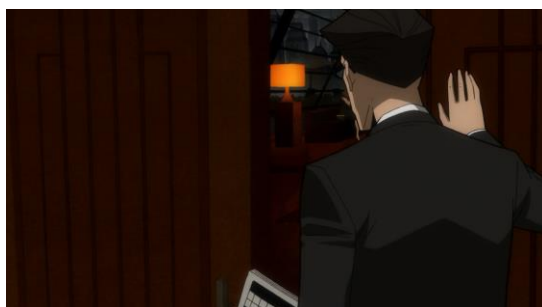
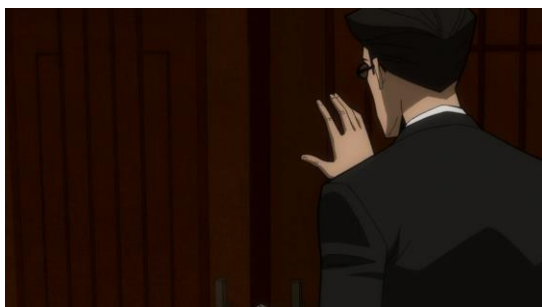
آلبرتو فالكونی: اینا، جدول‌های ریاضی هستن...



کارماین فالكونی: از 32 برو به 13!



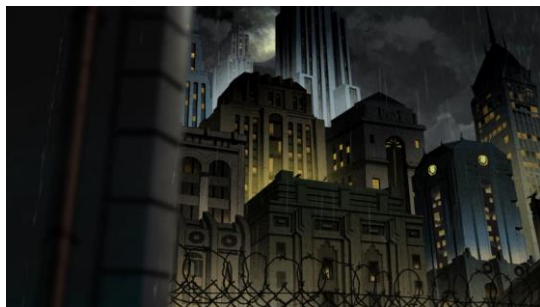
تبهکاران: هاهah



کارماین فالکونی: وین قرار نیست که از برنامه ساخت و سازها حمایت کنه...

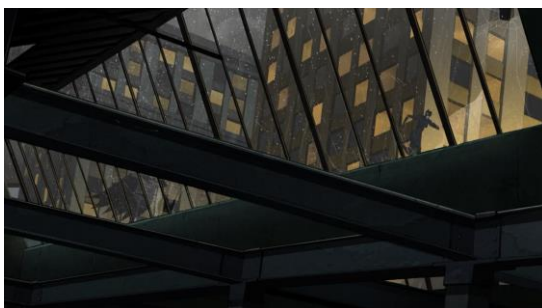
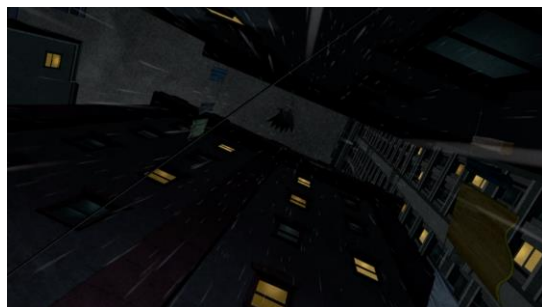
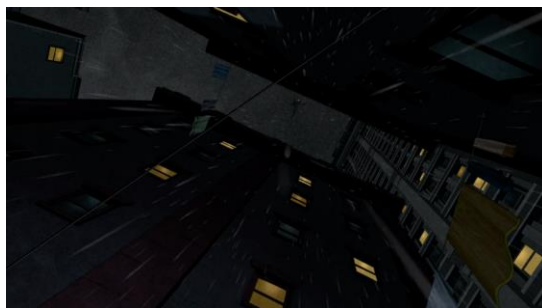
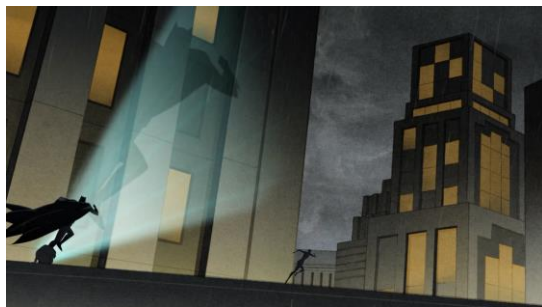
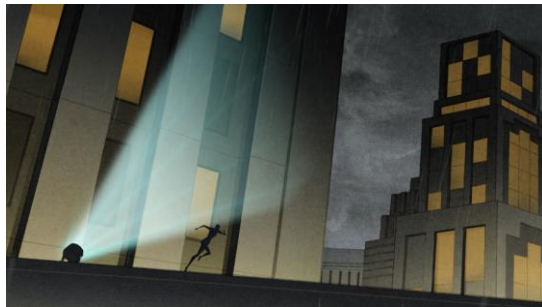


کارماین فالکونی: پس فعلا دارایی‌ها باید به یه مکان امن‌تر منتقل بشن!















تلق



بتمن: آخ!



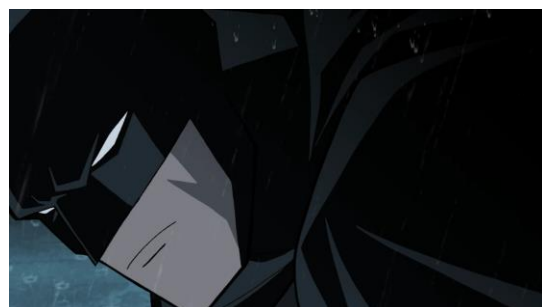
زن گربه‌ای: وزن تجهیزات خیلی زیاده، این باعث میشه نتونی تعادلت رو حفظ کنی!



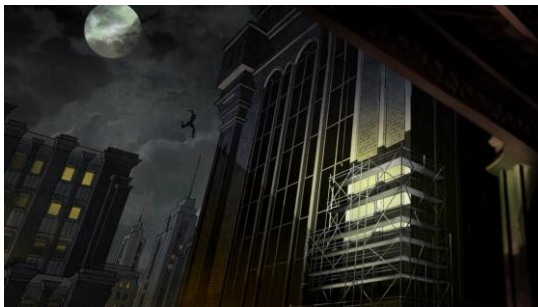
بتمن: برای چی فرار می کنی!؟

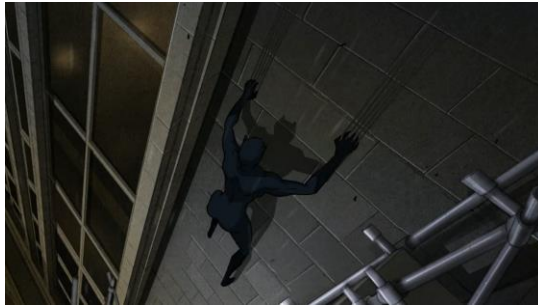


زن گربه‌ای: آخه شبگردی با تو خیلی به آدم خوش می گذره!











خرج



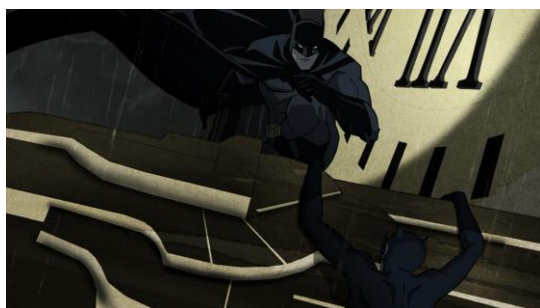
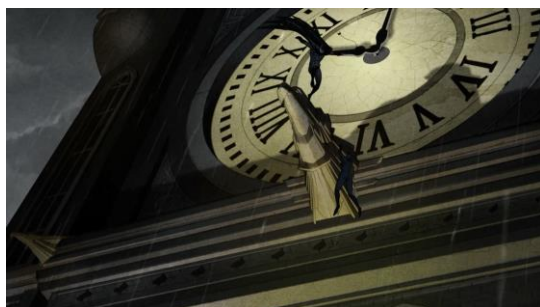
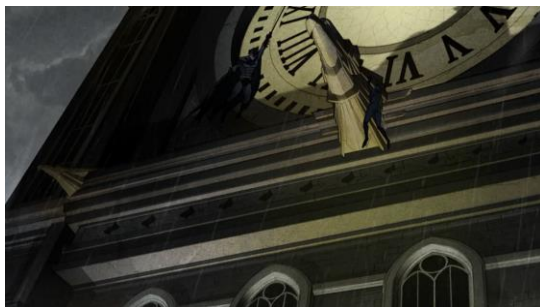


هووووپ



تق





بتمن: دستتو بده به من...

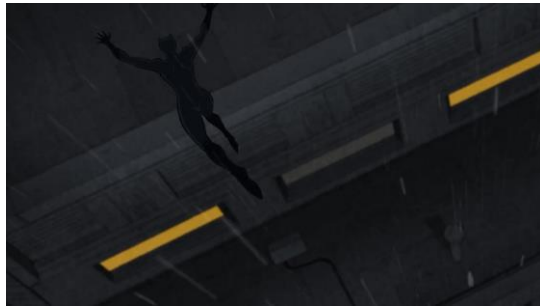






هووپ

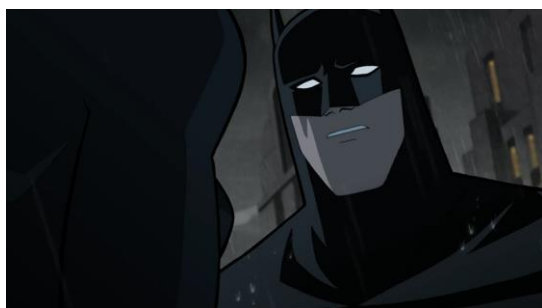






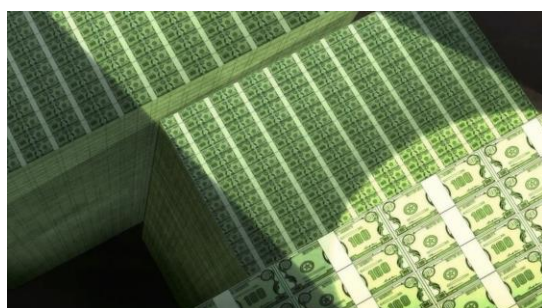


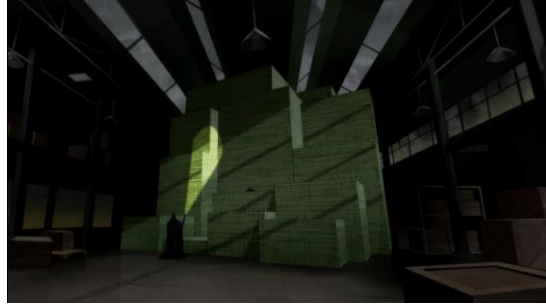
زن گربه‌ای: تو دقیقا جایی هستی که من می‌خوام!





زن گربه‌ای: انبار فالكونى، بايد توش رو ببينى...





زن گربه‌ای: یوهو!



زن گربه‌ای: تا حالا اینقدر پول دیدی!؟



بتمن: اصله!



زن گربه‌ای: معلومه که اصله، و تمیز!



بتمن: در واقع، این فوق العاده کثیفه!



بتمن: فالکونی مدتی که وارد پولشویی شده...



بتمن: ما فقط نمی دونستیم که داشت کجا اونو ذخیره می کرد...



بتمن: خیلی ممنون!



زن گربه‌ای: خوشحالم که کمکت کردم!



بتمن: چرا؟!



بتمن: می‌تونستی برای خودت برشون داری...



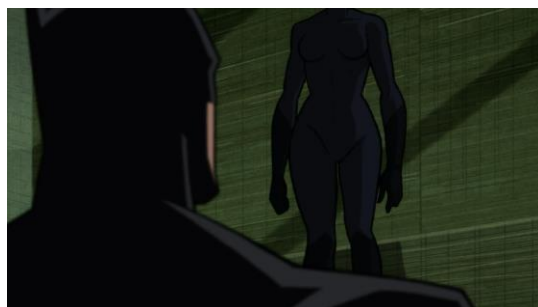
بتمن: می‌تونستی با همه اینا یه زندگی خوب برای خودت بسازی...



بتمن: چرا تحویلش میدی؟



زن گربه‌ای: به تو؟





زن گریه‌ای: کی میدونه؟!







زن گربه‌ای: بخواب رو زمین!



شتلق

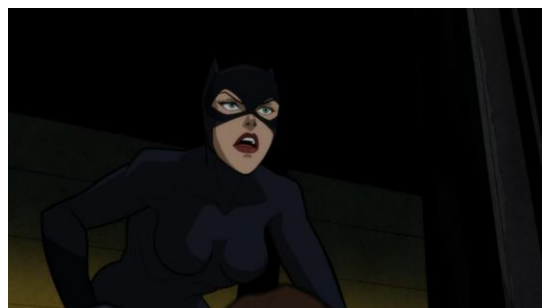




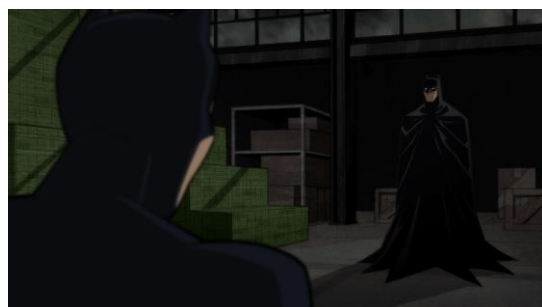
زن گربه‌ای: بذار یه نصیحتی بهت بکنم، اینجا کنجاوی به کشتنت می‌ده!



بتمن: ولش کن...



زن گربه‌ای: چی؟ چرا؟



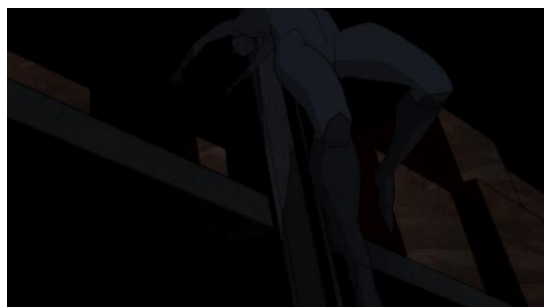
بتمن: چون اون با منه...



بتمن: چون اون دادستانه، کسی که دوستات رو به آرکهام فرستاده...



هاروی دنت: واسه یه نفر دیگه جا داریم!



بتمن: کسی تعقیبمون نکرد؟



هاروی دنت: منم به زور کردم!



هاروی دنت: بابت دستگاه ردیابیت ممنون...





هاوری دنت: یا مسیح!



هاروی دنت: فالکونی یه کسب و کار تجاری مخفی رو داره انجام میده...



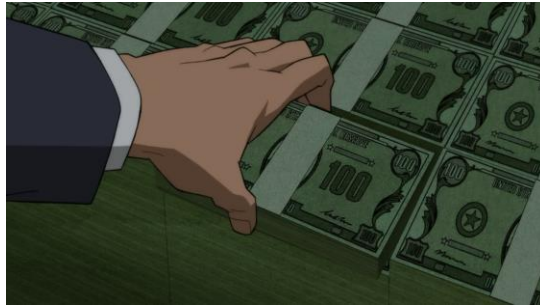
هاروی دنت: می دونی، اگه ما کس دیگه ای بودیم...



بتمن: نیستیم!



هاروی دنت: آره، البته...



هاروی دنت: خب، حالا چی؟!



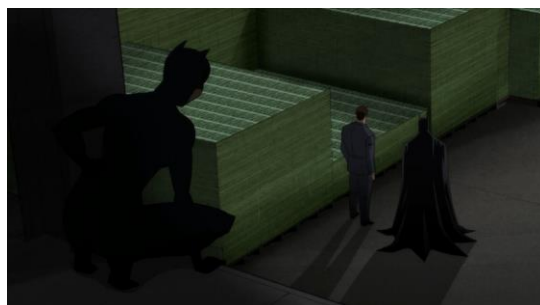
بتمن: باید به گوردون زنگ بزنیم، افرادش باید اینا رو به عنوان مدرک ثبت کنن...



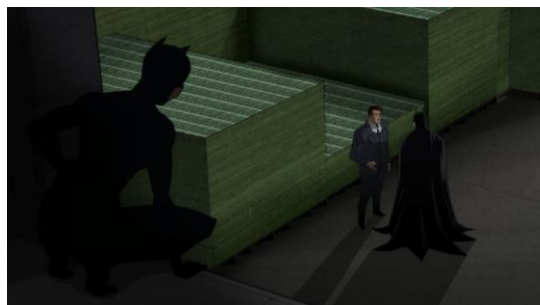
هاروی دنت: فالکونی، شهردار و کل اعضای مجلس شهر رو توی مشتتس داره...



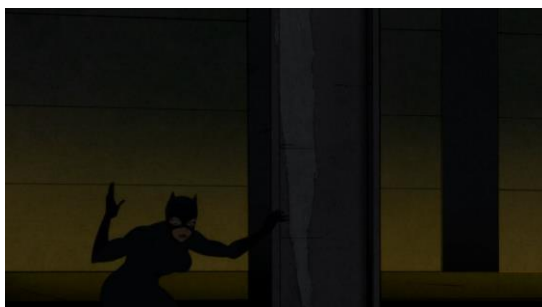
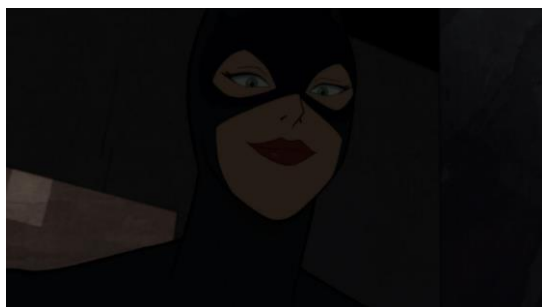
هاروی دنت: تا فردا شب به حسابش برمی گرده!



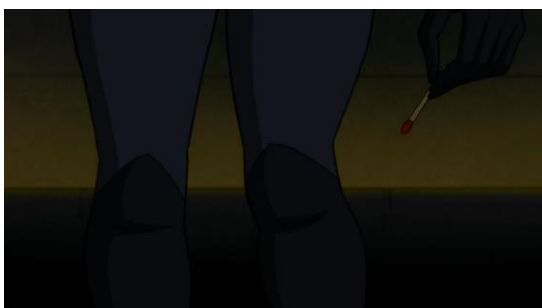
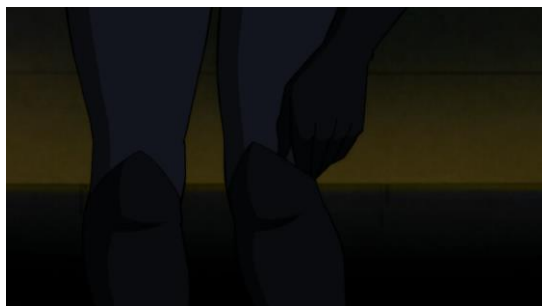
بتمن: پس باید با مخفی کردن اینا، تحت فشار قرارش بدیم...



هاروی دنت: درسته، ولی به اینا نگاه کن؛ جابجایی چند روز طول می کشه!



زن گربه‌ای: خب، کی درباره انتقال حرف زد؟!





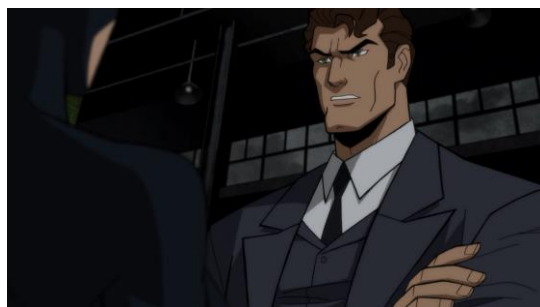
زن گربه‌ای: آتیشش بزن!



هاروی دنت: چرا می‌خوای به فالكونی ضربه بزنی؟



زن گربه‌ای: تو چرا می‌خوای؟



هاروی دنت: شخصی نیست، خوشگله! عدالتہ...



زن گربہای: عدالت می تونه شخصی باشه!



زن گربہای: بزار من شروع کنم...



زن گربہای: ولی نمی خوام اینجا یا اطرافش گیر بیفتیم...



هاروی دنت: نمی دونم، گوردون گفت که توی روشنایی کار کنم...



زن گربه‌ای: خب، الان روشنش کن!





بتمن: یکی طلبت...



زن گربه‌ای: تو بهم بیشتر از اینا بدهکاری!





هاروی دنت: من نمی‌تونم که هم مجرم باشم هم دادستان، می‌تونم؟!!



هاروی دنت: من می‌خوام که ببرم...



هاروی دنت: ولی، یعنی باید اینطوری برنده بشم!!



هاروی دنت: این یه دو راهیه...



بتمن: پس باید سکه بندازی...



بتمن: اینهاش، از جیب افتاد...



هاروی دنت: آره، فکر کنم خودشه! این سکه پدر بزرگمه، چقدر خوب شد گمش نکردم!

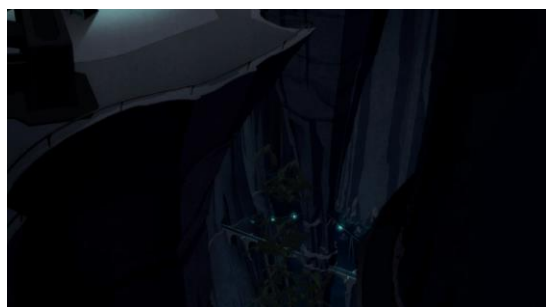
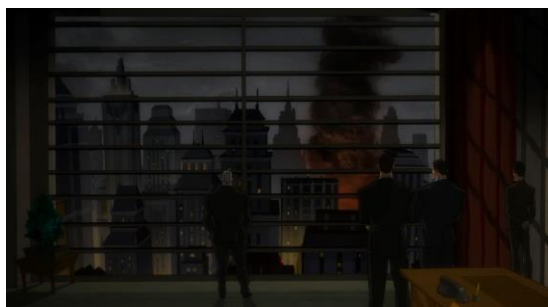
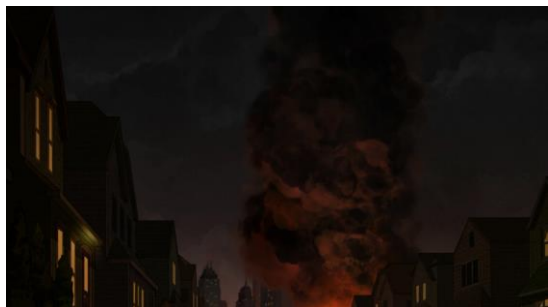


بتمن: شیر اومد اینجا رو آتیش می‌زنیم...



هاروی دنت: باشه!







گزارشگر: مامورین آتش‌نشانی اینجا، در منطقه صنعتی هستن...



گزارشگر: و دارن سعی می‌کنن جلوی آتش رو بگیرن، قبل از اینکه به خانه‌ها و کارگاه‌های اطراف برسه!



گزارشگر: مقامات معتقدند که این انبار متعلق به خانواده فالكونی بوده...



گزارشگر: هنوز معلوم نیست که آتش‌سوزی اتفاقی بوده یا عمدی...





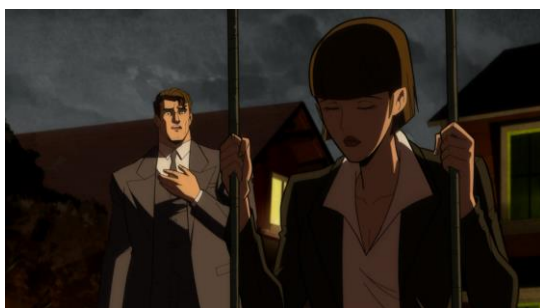
هاروی دنت: همیشه خوش شانس بودی، پدر بزرگ!





هاروی دنت: گیلدا!؟





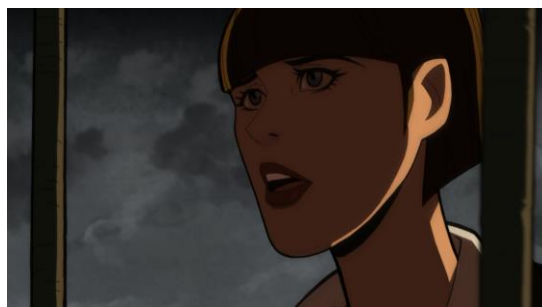
هاروی دنت: اوه، منو ترسوندی! چرا جواب نمیدی؟!



گیلدا دنت: خواهش می کنم بمون!



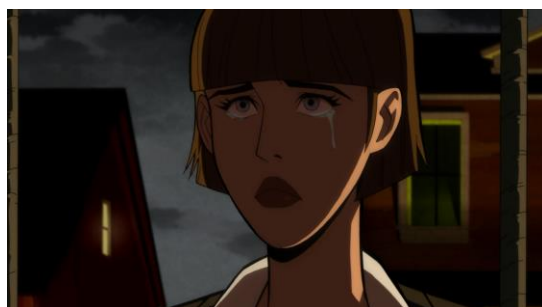
هاروی دنت: من قرار نیست جایی برم....



گیلدا دنت: منظورم اینکه، ترکم نکن!



هاروی دنت: عزیزم، می‌دونم که این اواخر اینجا نبودم، و متاسفم، اما اینکار...



هاروی دنت: همیشه نیست!



هاروی دنت: بالاخره استراحتی می تونم بکنم، بعد قضیه فالکونی...



هاروی دنت: وقتی حسابش رو رسیدم، که حتما میرسم، همه چیز عوض میشه...



هاروی دنت: ما یه خانواده تشکیل میدیم!



گیلدا دنت: می دونی که نمی تونم...



هاروی دنت: معلومه که می تونی، ما می تونیم!



هاروی دنت: وقتی آماده شدی، دربارش حرف میزنیم...



هاروی دنت: اما به اعتمادت نیاز دارم که بدونی توی مسیر درست هستم و عاشقتم...





هاروی دنت: می‌خواهی امشب یه شام خوشمزه برات درست کنم؟!



هاروی دنت: بی خیال، بیا اینجا!





~~~~~~



~~~~~~


DC DELUXE

BATMAN

THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

